



۲۰۲۳/۰۸/۲۱



سید عظیم حسینی

تاریخچه تجارت کابل

قسمت پنجم

از مشهورترین واسکت دوزها از خلیفه فیض محمد و خلیفه عزیز رنگ زرد نام برده میتوانیم که خلیفه عزیز در عین زمان پهلوان نامی بود و کلاه دوزان مشهور شیرمحمد و گل محمد بودند. از چته سوم به چوک چارم میرسیم که درین چوک شازده عبدالرحمن از دکانداران مشهور بود. بطرف چپ یک سرای تجارتی بنام داداشیر بود، چته چارم را ارجل فروشی گفته میتوانیم زیرا درین چته، چپلی فروشی، زرگری و اسلحه فروشی وجود داشت. بعد ازین چته، چوک پنجم بود که آنرا پایان چوک می گفتند.^[۱۱] لازم به تذکر است که شوربختانه چارچته کابل در سال ۱۲۲۱" (بتاریخ ۱۵ سپتمبر ۱۸۴۲) هنگامیکه عساکر انگلیسی تحت رهبری جنرال پالک (Pollock) کابل را اشغال نمودند، داخل بازار مرکزی شده و سند (اثر) بزرگ و تاریخی چارچته را که نعش مکناتن (Macnghten) در آن آویزان شده بود به هوا پراگندند و دکاکین همه تاراج شدند.^[۱۲] بعداً چهارچته دوباره احیا گردید.

چارچته تاریخی با اینهمه وسعت و عظمت آن با آنکه هویت ملی یافته بود، در دهه (۳۰) در زمانیکه انجنیر غلام محمد فرهاد شاروال وقت به ساختمان جاده میوند اقدام میکرد ویران شد. در حالیکه حکومت وقت میتوانست، این محل کابل قدیم را بازسازی و ترمیم کرده از ویرانی بیشتر حفظ کند^[۱۳]

۲- بازار شاهی (بازار ارگ)

این بازار در عصر امیر عبدالرحمن خان توسط استاد لعل محمد، استاد یعقوب، استاد رحیم، استاد ولی محمد، استاد جلال الدین، و استاد بسم الله کندهاریان،

استاد عبدالاحد، استاد طهماس، استادقیوم و غیره معماران و بنایان کابل بصورت پخته اعمارگردید. زمانیکه ارگ شاهی، سلامخانه و گنبد نقاره آباد می شد، این بازار نیز آباد گردید. این بازار از معتبرترین و زیبا ترین بازار های آنوقت بود. عقب این بازار حمام بزرگ و عالی بنام حمام شاهی بدست همین معماران کندهاری و کابل آباد گردید. وسعت حمام بقدری بود که ده دیگ آب گرم و سرد و صدف های کج و پیچ متعدد داشت که همه از سنگ مرمر ساخته شده بود و اجاره داران این حمام خلیفه شیرمحمد، خلیفه فتح محمد و خلیفه امیرمحمد سه برادر بودند. در دکانین بازار ارگ انواع پارچه جات قیمت بها از قبیل درپ، کستور، دیکنال، شسترنین، بوشرویه، کرک های پتی، ماهوت و غیره بفروش میرسید. حکو خان، حاجی کاکو، حاجی عثمان، کاکا فقیر، خلیفه شیراحمد خیاط، مرزا سلطان علی، احمد جان تفنگ از دکانداران مشهور این بازار بودند. احمد جان تفنگ ازین جهت میگفتند که در دکان وی اقسام تفنگ های شکاری و سامان و لوازم شکار بفروش میرسید. غلام محمد ساعت ساز نیز درین بازار دکان داشت. همچنین دکان های قنایز ابریشمی نیز در همین بازار بود. ناگفته نباید گذاشت که بازار ارگ که بنام بازار شاهی معروف بود، به صورت تخمینی در محدوده ساحه شرقی پارک زرنگار (که در سابق به بوستان سرای مشهور بود) الی هتل کابل سرینا قرار داشت، قسمت شمالی آن به دروازه جنوبی ارگ منتهی شده و دکانهای بخش شرقی آن قسماً در ساحه امروزی هتل کابل سرینا واقع شده بود. خوشبختانه درین اواخر همین منطقه (بازار شاهی سابق) به اساس فیصله کمیسیون نام گذاری جاده های شهر کابل به جاده بازار شاهی مسمی گردیده که جاده مقابل هتل کابل سرینا را دربر میگیرد. این بازار در آنوقت شهر کابل یک بازار لوکس و با سطح و سویه عالی ایجاد شده بود که از آن نه تنها شهریان کابل بخصوص قشر مرفه آن استفاده مینمود بلکه در خدمت دیپلومات های کشورهای خارج مقیم در کابل و مهمانان و مسافران خارجی نیز قرار داشت. این بازار علاوه بر آنکه، در آن اشیای زینتی، کالاهای وارداتی غربی مانند بوت های سلمندر،

د پانو شمیره: له 2 تر 6

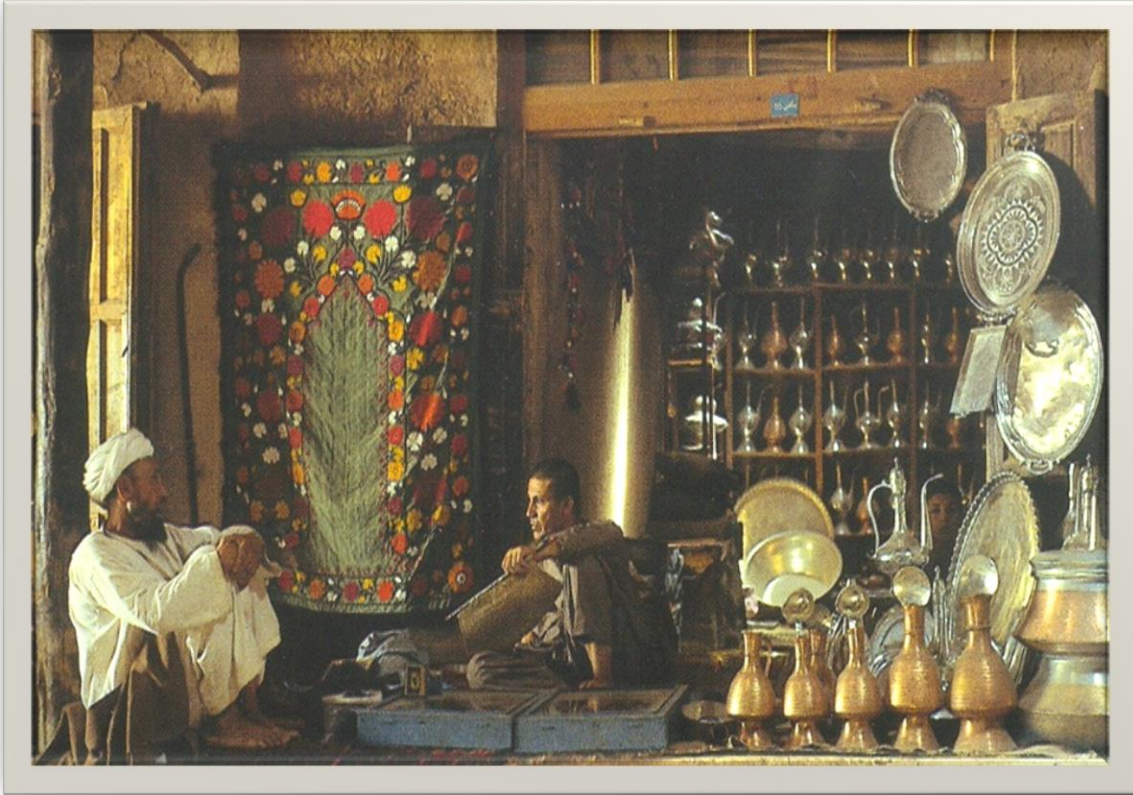
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ساعت های سوییسی و غیره و همچنان تولیدات داخلی مانند قالین های متنوع بفروش میرسید، باداشتن رستوران ها و کافی خانه ها محل تجمع و تفریحگاه یکتعداد از شهریان کابل و خارجی ها نیز بود که البته این بحث به پژوهش بیشتر نیاز دارد.

۳- سایر بازارهای کابل

از ابنیه مشهور این چوک یکی هم سرای امیرشیرعلی خان بود که دومنزه اعمارگردیده ودفتر داکخانه و بعضی تحویل خانه های دفاتر یا آرشیف تمام دفاتر درین سرای بود. متصل سرای امیرشیرعلی خان کوچه باریکی بودکه در آن سرای های تجارتي مانند سرای صحاف ها، سرای مرزا سلطانعلی، سرای موسی جان، سرای میرافغان و سرای میراحمد شاه خان بود، همچنین یک سرای دیگر بنام سرای پخته جود داشت، گویا پایان چوک یکی از مراکز تجارتي

شهر کابل بشمار میرفت.^[۱۴] بازار مسگری نسبت به چارچته قدری کم عرض وچته آن بصورت قیچی پوش پوشانیده شده بود، از مسگر های مشهور این بازار میتوانیم از خواجه نجم الدین ، خواجه قیام الدین، خواجه شمس الدین، کلانتر حسن، خلیفه عاشور و خلیفه غلام حسین نام ببریم. این بازار همانقدر که مزدحم بود، سروصدای زیادی هم داشت. زیرا که هیچ مسگر بیکار نبود چکش شان مرتب روی مس می خورد و ترنگ، تر ونگ گوش کرکن بوجود می آمد. البته در آن زمانه ها ظروف المونیوم تازه به کابل وارد شده بود که مردم به خریداری آن کمتر تمایل داشتند و حتی مردم می گفتند که از استعمال ظروف المونیوم مرض سل پیدا میشود و لهذا بازار مسگرها خیلی وگرم بود. قیمت فی پائو مس بصورت مال پخته هشت، نه تا دوازده افغانی بود. در آخر این بازار، دوکان های خورده فروشی بود. درین دکانها نوار، زنجیر، ریسمان تار، سرمه، چقماق، باروت و ساچمه بفروش میرسید.



دكان فروش ظروف مسی

ولی یکرروز در اثر بی احتیاطی دوکان محمد شریف منقلب گردید و پیپ های باروت شعله ور گردید. بعد از آن بازار چارسوق بود که می توان این بازار را هم ارجل فروشی گفت. جا دارد که درینموقع از ماما شیربقال مشهور به ماما شیرمارگیر، ملا عبدالرسول فالوده پز، بیادردین ذغال فروش، کلانتر جمال الدین عطار، خلیفه فقیر کله پز و محمدرضا هوتلی یاد آوری کنیم. چه دکانداران با انصاف و خدا شناس بودند. بعد ازین بازار سراجی ادامه داشت و در بازار سراجی یک سلسله دکان های بنجارگی و بعد از آن سراجی بود. مشهورترین بنجاره ها حاجی غلام قادر، غلام حسین، ماما غلام نبی، حاجی فضل احمد، حاجی احمد جان، کاکا غلام فاروق، ملا غلام صدیق، عبدالمجید، محمد اکبر، محمد حسن، غلام محی الدین و حاجی ایوب بود. در بازار سراجی اجناس چرمی از قبیل

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

کمر بند، قطاروازنه، پوش تفنگ، یراق اسپ و غیره ساخته میشود و به فروش میرسد. استاد نامی این بازار خلیفه محی الدین بود، این شخص با ظرافت هایی که داشت به دربار سراج الملت راه داشت. بعد از این بازار موجی پره بود که از چرم پیزارهای بسیار کلفت بنام پیزار افغانی می ساخت (پیزار، اصلاً پا افزار است یعنی افزار پای که بمرور زمان در آن تحریف بعمل آمده و پیزار شده است). از پیزار دوزهای مشهور یکی خلیفه شیرمارگیر بود که با مارهای خطرناکی سروکار داشت و همیشه در دکان وی ده، پانزده قطی مار موجود بود. مار منگری، مار گسن (بضم گ و سین)، شترمار، کفچه مار، سندر مار، سیاه مار و غیره همه را رام ساخته بود. پیزار یک پوشاک اقتصادی بود و یک جوره پیزار بیست و بیست و پنج افغانی قیمت داشت که لا اقل سه سال دوام میکرد. اشخاص سرشناس دیگر بوت می پوشیدند و لهذا بازار پیزار دوزی هم خیلی گرم بود. در اخیر بازار موجی پره چته ختم میشود و بطرف راست کوچه آهنگری شروع میشود.



د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

درین بازار انواع سامان آهنی از قبیل سامان زراعتی، زنجیر وزلفی، سیاه میخ و گل میخ و همچنین سامان نجاری و گلکاری از قبیل تیشه، اسکنه، رنده، گل ماله، دست پناه، و غیره ساخته می شد. بعد از بازار آهنگری، خورده فروشی بود که سامان تعمیراتی خارجی درینجا بفروش می رسید. حاجی محمد اکبر، حاجی محمد اصغر، حاجی شهنواز و محب از خورده فروشی های مشهور بودند. در همین بازار چند دکان خردی هم وجود داشت که گوت های سطرنج، نی های چلم و غیره را با نفاست و ظرافت تمام می ساختند، استاد مشهور خردی حاجی عبدالرزاق بود و بحدی در کار خود مهارت داشت که اکنون سامان ساخته دست وی میتواند در جمله اشیاى انتیک شامل شود. ازین بازار که می گذشتیم بدوراهی میرسیدیم، راه طرف چپ به تخته پل که در زیر بالا حصار واقع است منتهی میشد و از راه طرف راست، به شور بازار داخل می شدیم، میگویند اصلاً شهر و بازار بود ولی آهسته آهسته (شهر و بازار) به شور بازار تحریف شد و این نام در عهد امیر شیر علیخان بدین بازار گذاشته شده است. زیرا که بالا حصار در حقیقت شهر بود و این بازار متصل آن بود. درین بازار از هر صنف کسبه کار مانند بقال، بنیه گر، بزاز، بنجاره، عطار و غیره وجود داشتند. ادامه دارد

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ